

سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا اوایل دهه ۱۳۹۰

رضا زمانی*

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۱۲	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۳/۱۳
------------------------	-----------------------

هر سیکل کامل اقتصاد سیاسی ایران تقریباً به مدت یک ربع قرن و از سه دوره تشکیل شده است که عبارت‌اند از دوره‌های «تثبیت»، «رشد اقتصادی در فضای بسته (یا نیمه‌باز) سیاسی» و «فضای باز سیاسی». اولویت آنها به ترتیب دستیابی به «امنیت (و یا عدالت)»، «رشد اقتصادی» و «آزادی» بوده است.

از «کودتای رضاشاه (۱۲۹۹) تا کودتای محمدرضاشاه (۱۳۳۲)»، از «کودتای محمدرضاشاه (۱۳۳۲) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)»، از «انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا پایان دوره اصلاحات (۱۳۸۳)» هر کدام یک سیکل کامل اقتصاد سیاسی هستند و از سال ۱۳۸۴ (شروع دولت احمدی‌نژاد) ایران وارد چهارمین سیکل اقتصاد سیاسی خود شده است. «نظم اجتماعی دسترسی محدود» و «ابهام (ذاتی نهفته در) تفکیک قوا» ریشه مشترک سیکل‌های مذکورند و در طول زمان سیکل‌های اقتصاد سیاسی ضمن تکرار، ارتقای تدریجی نیز یافته‌اند.

در این مقاله برای هر یک از سیکل‌های اقتصاد سیاسی مذکور دوره‌های سه‌گانه تثبیت، رشد اقتصادی و فضای باز سیاسی شناسایی و تحلیل شده‌اند. به‌عنوان نمونه در اولین سیکل اقتصاد سیاسی بعد از انقلاب اسلامی، دوره «انقلاب اسلامی تا پایان جنگ» به‌عنوان دوره «تثبیت» با هدف ایجاد عدالت و امنیت، دوره هاشمی رفسنجانی به‌عنوان دوره «رشد اقتصادی» و دوره اصلاحات به‌عنوان دوره «فضای باز سیاسی» با هدف افزایش سطح دسترسی‌های سیاسی تحلیل شده‌اند. در دومین سیکل اقتصاد سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۸۴ آغاز شده دوره احمدی‌نژاد دوره «تثبیت» و اولویت نیز «امنیت و عدالت» بوده است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی؛ اقتصاد ایران؛ سیکل‌های اقتصادی

مقدمه

از انقلاب مشروطه تاکنون اقتصاد ایران فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. در این میان دو انقلاب (مشروطه و اسلامی) و مجموعه‌ای از حرکت‌های اصلاحی اقتصادی و سیاسی به ثبت رسیده است. با این حال به نظر می‌رسد اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران ضمن اینکه به صورت تدریجی در حال پیشرفت است به گونه‌ای تکراری نیز در حال وقوع است. همچنین به نظر می‌رسد در مقاطعی از دوران معاصر ایران، جنبش‌های مرتبط با افزایش سطح دسترسی سیاسی وجود داشته است که به نوعی در کلیت آنها اهداف مشابهی را خواستار بوده‌اند.

در مجموع در دوران معاصر ایران، سیاست و اقتصاد تأثیر متقابل با یکدیگر داشته‌اند و به نظر می‌رسد می‌توان با مطالعه این تاریخ سیکل‌های اقتصاد سیاسی آن را در سطح کلی تحلیل کرد که هدف کلی این مقاله است. برای تحلیل اقتصاد سیاسی و تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. علم اقتصاد در دو دهه اخیر به تدریج وارد بحث‌های میان‌رشته‌ای (از جمله اقتصاد سیاسی) شده است که از جمله آنها می‌توان به سیکل‌های سیاسی کسب و کار اشاره کرد. این سیکل‌ها بیان می‌کنند که دولتمردان در تهیه سیاست‌های اقتصادی و اعمال آنها علاوه بر اینکه ملاحظات اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهند به نتایج سیاسی آن نیز توجه دارند. به عنوان مثال ممکن است دولتی که برای یک دوره چهارساله حاکم بوده است در سال آخر دوره خود از سیاست‌هایی استفاده کند که موجب رونق اقتصاد شود که در نتیجه آن بتواند مجدداً انتخاب شود اما نتیجه این سیاست‌ها که همانا تورم است در زمانی مشخص می‌شود که دولت انتخاب شده است. به عنوان نمونه‌ای دیگر به ملاحظات سیاسی تأثیرگذار در بودجه‌ریزی به عنوان سیکل‌های سیاسی بودجه‌ریزی توجه می‌شود و تحلیل می‌گردد که نمایندگان برای اینکه این سیگنال را به مردم بفرستند که نماینده شایسته‌ای هستند در بودجه دستکاری می‌کنند و این امر می‌تواند معنی انتخاب شایسته را در برخی موارد داشته باشد.

سیکل‌های سیاسی کسب و کار و سیکل‌های سیاسی بودجه تحلیل‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت ارائه می‌دهند. برای اینکه مطالعه فراتر از آن برود و به دوره‌های بلندمدت برسد لازم است تحلیل‌های اقتصاد سیاسی دیدگاه خود را عمیق‌تر کنند و تعامل اقتصاد و

سیاست را در بلندمدت مورد توجه قرار دهند. در این صورت نظم اجتماعی یک کشور و تطور آن در طول زمان مهم خواهد بود. همچنین نظام سیاسی و اقتصادی و تعامل آنها با یکدیگر نقش حیاتی ایفا می‌کند. این نوع تحلیل‌ها به نقش نوع حکومت، قانون اساسی، تفکیک قوا، نوع استراتژی توسعه و مواردی مشابه دلالت دارد.

در این مقاله ابتدا مبانی نظری سیکل‌های سیاسی تجاری، سیکل‌های اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی ارائه شده است. در عین حال در همین بخش مطالعات تجربی مرتبط نیز ارائه شده است. سپس به مسئله استخراج سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران در دو مقطع زمانی قبل از انقلاب و پس از انقلاب اسلامی پرداخته شده است که تقریباً هر سیکل اقتصاد سیاسی در ایران یک ربع قرن طول کشیده است. در نهایت در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحلیل‌هایی ارائه شده که نشان می‌دهد ریشه تداوم سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران در نوع نظم اجتماعی (نظم اجتماعی دسترسی محدود) و ابهام (ذاتی نهفته) در تفکیک قوا واقع شده است.

۱. مبانی نظری و مطالعات پیشین

تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر موضوع کلی اقتصاد سیاسی است. سیاستگذاری که در قدرت قرار دارد با عدم قطعیت درباره حفظ قدرت روبه‌روست و در هر دو نظام دمکراتیک یا غیردمکراتیک، سیاستمدار تلاش می‌کند تا این عدم قطعیت را کاهش دهد به طوری که این کار را می‌تواند از سه طریق انجام دهد (درازن، ۱۳۹۰: ۳۱۴): اول اینکه سیاست‌هایی را انتخاب می‌کند که بر احتمال باقی ماندن در قدرت تأثیرگذار است. این سیاست‌ها می‌توانند برون‌دادهای اقتصادی یا سیاسی داشته باشند و از این طریق بر زندگی اقتصادی و سیاسی مردم تأثیرگذارند. دوم اینکه سیاستگذار در مسند قدرت، سیاست‌هایی را انتخاب می‌کند که بر انتخاب‌های سیاست فرد جانشین (احتمالی) تأثیرگذار است. در واقع در موارد متعددی سیاستمدار، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کند که هدفشان تأثیرگذاری بر افرادی است که ممکن است جانشین او شوند و سوم اینکه حتی اگر سیاستمدار نتواند سیاست‌های فوق را اتخاذ کند از طریق نااطمینانی حفظ یا عدم حفظ قدرت بر متغیرهای اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار خواهد بود.

در نتیجه وقتی سیاستمدار علاوه بر امکان باقی ماندن خود در قدرت به این امکان که فردی هم جایگزین او می‌شود توجه کند با مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و ترجیحات سیاسی روبه‌رو خواهد بود. به‌عنوان مثال انتخاب سیاست‌های اقتصادی، از جمله کاهش تورم یا کاهش بیکاری برای دولت با توجه به آثار این سیاست‌ها در انتخاب مجدد آن دولت یا کاهش احتمال انتخاب رقیب می‌تواند انجام گیرد. این وضعیت برای انتخاب اولویت‌های سیاسی نیز صادق است. تأثیر ملاحظات سیاسی بر سیاستگذاری اقتصادی در ادبیات نظری به‌عنوان چرخه کسب و کار سیاسی^۱ نامیده می‌شود.

در ادبیات چرخه کسب و کار سیاسی، چنین تحلیل می‌شود که دولت در انتخاب میان سیاست‌های اقتصادی، مانند سیاست کاهش تورم یا سیاست کاهش بیکاری، به نتایج سیاسی آنها در انتخاب مجدد دولت توجه دارد. در واقع آثار سیاسی سیاستگذاری اقتصادی، مبنای انتخاب سیاست اقتصادی است. از سوی دیگر در ادبیات چرخه کسب و کار سیاسی چنین فرض می‌شود که دولت‌ها رفتار مشابه دارند و چون دولت‌ها رفتار مشابه دارند سیاست‌های اقتصادی که با هدف کسب رأی و بقای در قدرت انجام می‌شوند، نوعی سیاست‌های تکراری هستند و بر این اساس سیکل سیاستگذاری اقتصادی شکل می‌گیرد.

دیدگاه‌های متفاوتی درباره ترجیحات دولت‌ها و سیکل‌های تجاری سیاسی ارائه شده است و تفاوت این دیدگاه‌ها نیز به نوع فروض رفتاری سیاستگذاران وابسته است به‌عنوان مثال در رهیافت و چرخه کسب و کار سیاسی «فرصت‌طلبانه» چنین فرض می‌شود که سیاستمدار فرصت طلب است و برای انتخاب خود دست به دستکاری اقتصادی می‌زند و مثلاً توزیع چک‌ها یا تسهیلات و یارانه‌ها و ... را چند ماه جلوتر می‌اندازند تا به دست رأی‌دهندگان برسند در نتیجه احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش می‌دهند. به‌عنوان نمونه نوردهاوس^۲ (۱۹۷۵) در مدل خود نشان می‌دهد که سیاستگذاران فرصت‌طلب، پیش از انتخابات با تحریک اقتصاد و سیاست‌های انبساطی بیکاری را کاهش می‌دهند در حالی که هزینه‌های تورمی این سیاست با تأخیر و بعد از انتخاب مجدد آنها ظاهر می‌شود.

1. Political Business Cycle (PBC)

2. Nordhaus

به‌عنوان مثالی دیگر، در مدل چرخه‌های کسب و کار سیاسی «جانبدارانه» به تحلیل‌های حزبی توجه می‌شود و پایگاه رأی احزاب نیز مورد توجه واقع می‌شود. اگر پایگاه رأی حزب به بیکاری حساس‌تر از تورم باشد سیاستمداران حزب در انتخاب سیاست‌های اقتصادی، سیاست کاهش بیکاری را انتخاب می‌کنند و برعکس. مطالعه هیبس^۱ (۱۹۷۷) از جمع مطالعات اولیه در این حوزه است.

مطالعات فراوانی درباره سیکل‌های تجاری سیاسی انجام گرفته و به تدریج توانایی الگوهای این نوع سیکل‌ها را افزایش داده است. به‌عنوان مثال درجه شایسته بودن سیاستگذار در مطالعات روگوف و سیلبرت^۲ (۱۹۸۸) و روگوف (۱۹۹۰) مورد توجه واقع شده است. به این ترتیب که سیاستمدار از چه طریق باید شایستگی خود را به اطلاع مردم برساند. در نتیجه توجه به این موضوع، سیکل‌های سیاسی «بودجه» طرح شد که در آن تحلیل می‌شود سیاستمدار از طریق سیاست‌های انبساط بودجه‌ای شایستگی خود را به اطلاع مردم می‌رساند. این امر به‌عنوان نمونه در مورد ایران نیز صادق است که در آن سیاست‌های بودجه‌ای به‌صورت پیوسته انبساطی است و مجلس نیز نه تنها با آن همراهی می‌کند بلکه آن را تشدید می‌کند. با گسترش مطالعات، همچنین مسئله تعامل قوای مجریه و مقننه و تعامل درون قوه مقننه (شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی) و تأثیر آنها بر سیکل‌های تجاری سیاسی مورد توجه واقع شده‌اند. به‌خصوص وقتی زمان برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری متفاوت است این امر نمود بیشتری پیدا می‌کند. کشورهای ایران و آمریکا از جمله این کشورها هستند. در این شرایط سیکل‌های «میان دوره‌ای» شکل می‌گیرد و نارضایتی یا رضایت از سیاست‌های اقتصادی دولت آثار خود را در انتخابات مجلس نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال کرامر^۳ (۱۹۷۱) و تافت^۴ (۱۹۷۵ و ۱۹۷۸) از طریق متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر انتخابات مجلس تحلیل کرده‌اند که انتخابات مجلس به نوعی رفراندوم درباره عملکرد رئیس‌جمهور در میانه دوره ریاست جمهوری است و تا حدودی این امر برای کشور ایران نیز صادق است.

1. Hibbs

2. Rogoof and Silbert

3. Kramer

4. Tufte

حالت دیگر این است که دولت به صورت دولت ائتلافی باشد. در این شرایط تعامل دولت و مجلس و تأثیر سیاست‌های سیاستمداران بر انتخاب دولت تا حدودی پیچیده‌تر می‌شود و به نظر می‌رسد که دولت‌های ائتلافی، میان‌روتر از دولت‌های تک‌حزبی هستند (درازن، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

همچنین در شرایطی که نوع انتخابات یک کشور ریاست جمهوری است و تاریخ برگزاری انتخابات ثابت است (به‌عنوان مثال در کشور ایران هر چهار سال یک بار انتخابات برگزار می‌شود) سیکل‌های تجاری سیاسی می‌تواند متفاوت از شرایطی باشد که در آن زمان برگزاری انتخابات، زمان ثابتی نیست و می‌تواند متغیر باشد. نمونه این نوع نظام سیاسی، در ایران بین دو انقلاب (۱۳۵۷-۱۲۸۵) به وجود آمد که در آن نخست‌وزیر توسط مجلس انتخاب می‌شد و دولت می‌تواند انتخابات زودرس داشته باشد.

نکته دیگر در تحلیل سیکل‌های تجاری سیاسی آن است که ممکن است دولت از طریق سیاست‌های اقتصادی، دست دولت‌های جایگزین را ببندد. به‌عنوان نمونه در کشور ایران، افتتاح طرح‌های عمرانی با مقدار بودجه اولیه اندک، استفاده و برداشت بیش از حد منابع ارزی نفت به‌عنوان سرمایه بین‌نسلی یا بدهکار کردن دولت آینده از جمله این نوع سیاست‌های اقتصادی است که دست دولت‌های جایگزین را می‌بندد.

آنچه تاکنون ارائه شد تأثیر ملاحظات سیاسی بر انتخاب سیاست‌های اقتصادی بود. در دنیای واقع سیاستمداران در انتخاب سیاست‌های سیاسی نیز به آثار این نوع سیاست‌ها توجه دارند و هرچقدر بازه زمانی مطالعه گسترده‌تر شود این نوع ملاحظات بیشتر خود را نمایان می‌کند. از سویی انتخاب‌های سیاسی نیز به صورت غیرمستقیم بر برون‌دادهای اقتصادی تأثیر دارند. به‌عنوان مثال در مطالعاتی که در حوزه اقتصاد سیاسی رشد انجام می‌گیرد به تأثیر نهادهای سیاسی بر نهادهای اقتصادی و از طریق آن بر رشد اقتصادی توجه دارند. عجم اوغلو و رابینسون^۱ (۲۰۱۳) در کتاب *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند* تحلیل می‌کنند که ریشه تفاوت درآمد سرانه کشورها در نوع نهادهای سیاسی آنهاست و نهادهای سیاسی

می‌توانند نهادهای فراگیر و مشوق رشد یا نهادهای مکنده یا بازدارنده رشد باشند. در این تحلیل‌ها بازه زمانی مطالعه اقتصاد از یک یا دو دولت فراتر رفته و بازه‌های ۴۰ تا ۱۰۰ ساله و بالاتر را دربرمی‌گیرند. در این بازه‌های زمانی در واقع تأثیر متقابل سیستم‌های اقتصادی و سیاسی بر یکدیگر در نهایت توسعه اقتصادی بلندمدت را شکل می‌دهد. این نوع مطالعات مرتبط با اقتصاد سیاسی توسعه شناخته می‌شود. در اقتصاد سیاسی توسعه اثر عوامل سیاسی و اجتماعی مانند دموکراسی، سرمایه اجتماعی، ثبات قوه مجریه، نظارت بر دولت، فساد، ثبات قانونگذاری، ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی، مذهب و ... بر توسعه اقتصادی تحلیل می‌شود.

در مطالعات اقتصاد سیاسی توسعه وقتی بازه زمانی بلندمدت می‌شود دولت‌ها و حکومت‌ها علاوه بر اینکه باید دست به انتخاب از میان سیاست‌های اقتصادی بزنند و آثار سیاسی آنها را ببینند باید دست به انتخاب از میان انتخاب‌های سیاسی نیز بزنند. در این شرایط درجه سازگاری سیاست‌های اقتصادی و سیاسی انتخاب شده در بلندمدت بسیار مهم است. به عنوان نمونه، آبراهامیان در مطالعه *ایران بین دو انقلاب: در آمدی بر جامعه سیاسی ایران معاصر*، دلیل شکل‌گیری انقلاب اسلامی را توسعه نامتوازن می‌داند به گونه‌ای که در دوره بعد از کودتای ۱۳۳۲، ابتدا دولت در یک دهه جایگاه خود را تثبیت کرد و سپس از طریق برنامه‌ای اقتصادی، به رشد اقتصادی بالا دست یافت. باین حال در انتخاب میان نوع فضای سیاسی، فضای بسته سیاسی را انتخاب کرد و توسعه اقتصادی در شرایطی حاصل شد که توسعه سیاسی به صورت همزمان شکل نگرفت و در سال‌های آخر دوره پهلوی، دولت در انتخاب سیاست خود تجدیدنظر کرد و فضای نیمه‌باز سیاسی را شکل داد (آبراهامیان، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) این شرایط به نوعی دیگر در دوره رضا شاه تکرار شده است به گونه‌ای که ایشان ابتدا در دوره قبل از تاجگذاری که در این مقاله از آن دوره به عنوان دوره تثبیت یاد می‌شود سیاست‌هایی اتخاذ کرد که ایجاد ثبات و امنیت مهم‌ترین محور آن بود.

پس از آن، ترجیحات خود را به این صورت ساماندهی کرد که «رشد اقتصادی» در اولویت قرار گرفت و این رشد در «فضای بسته سیاسی» حاصل شد. در واقع به نظر می‌رسد کشور ایران در دوره بین دو انقلاب، سیکل‌های اقتصادی سیاسی را تجربه کرده است که در قسمت بعدی مقاله دقیق‌تر توضیح داده خواهد شد. به عنوان نمونه فوران (۱۳۸۰) به

مجموع نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پویایی نظم شکننده ایران اشاره می‌کند. که در ابتدا وقتی یک گروه به قدرت می‌رسد از طریق سیاست‌هایی جایگاه خود را تثبیت می‌کند سپس سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند به تدریج باعث افزایش نارضایتی شده و در نهایت از سوی گروهی مخالفان از قدرت ساقط می‌شود و دوباره این چرخه ادامه پیدا می‌کند. از نظر فوران مقاومت مردم ایران در برابر قدرت‌ها یک نوع مقاومت شکننده است چرا که نمی‌تواند در نهایت از این چرخه خارج شوند. کاتوزیان این دیدگاه را از طریق جامعه کلنگی ارائه کرده و نشان داده است که ایران در سیکل‌های ناکارآمدی گرفتار شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷).

آنچه آبراهامیان، کاتوزیان و فوران در تحلیل شرایط اقتصادی سیاسی ایران ارائه کرده‌اند به نوعی تحلیل نوع نظم اجتماعی و پویایی‌های آن است که توسط نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) ارائه شده است. از نظر این نویسندگان کشورهای در حال توسعه اکنون در «نظم اجتماعی دسترسی محدود» و کشورهای پیشرفته در «نظم اجتماعی دسترسی باز» قرار دارند و توسعه عبارت است از تلاش مدام برای گذار از دسترسی محدود به دسترسی باز (North, Wallis and Weingast, 2009: 1-10).

در این دیدگاه، عده‌ای از نخبگان (اقتصادی و سیاسی) با یکدیگر «ائتلاف غالب» را شکل می‌دهند. این ائتلاف غالب از طریق سیاستگذاری، منافع و مزایای «نخبگان» را تأمین می‌کند و در مقابل نخبگان از بقای آن حمایت می‌کنند. در نتیجه این امر، کارها تخصصی شده و با گسترش تدریجی تخصص، متخصص نظامی، مالی، بانکی، دینی، سیاسی و ... شکل می‌گیرد. متخصص نظامی در تأمین امنیت نقش اساسی ایفا می‌کند و با ایجاد امنیت رشد اقتصادی حاصل می‌شود و در نهایت از مزایای رشد اقتصادی تمام نخبگان ائتلاف غالب (از جمله نظامیان) بهره می‌برند. در این شرایط اقتصاد و سیاست درهم عجین هستند و نمی‌توان انتظار داشت که مثلاً نظامیان در سیاست و اقتصاد حضور نداشته باشند. از جمله ویژگی‌های نظم اجتماعی دسترسی محدود، «قائم به شخص بودن امور» است و به همین دلیل با تغییر اشخاص و مدیران ممکن است سیاست‌ها به شدت تغییر کنند امری که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران شایع است.

نظم اجتماعی دسترسی محدود می‌تواند به تدریج ارتقا یابد و در نهایت به نظم دسترسی باز تبدیل می‌شود اما الزام و دیالکتیک تاریخی در این باره وجود ندارد. از این منظر نظم اجتماعی دسترسی به سه نوع «شکننده»، «پایه‌ای» و «بالغ» تقسیم می‌شود (Ibid.: 41).

در حالت شکننده، ائتلاف غالب به سختی می‌تواند از خودش حفاظت کند و اقتصاد و سیاست در هم تنیده هستند. در حالت «پایه‌ای» ائتلاف غالب امنیت خودش را فراهم می‌کند و در عین حال می‌تواند نهادهای (اقتصادی و سیاسی) عمومی ایجاد کند. در این حالت بخش خصوصی چندان قوی نیست و از نهادهای اقتصادی و سیاسی خصوصی قدرتمند محسوب نمی‌شود و استقلال اندکی از بخش عمومی دارد. در حالت «بالغ» نهادهای خصوصی در کنار نهادهای عمومی وجود دارند با این حال غالب نهادها عمومی هستند (Ibid.: 42).

در این حالت استقلال بخش خصوصی از دولت بیشتر از حالت‌های قبل است. در هر سه نوع نظم اجتماعی دسترسی محدود، باز هم منطق حکمرانی یکسان است و ائتلاف غالب از طریق نهادهای خود از نخبگان عضو ائتلاف غالب حمایت می‌کند و دسترسی افراد و گروه‌های خارج از ائتلاف غالب را محدود می‌کند. محدود کردن دسترسی افراد و گروه‌های خارج از ائتلاف غالب باعث می‌شود که آنها تلاش کنند یا وارد ائتلاف غالب شوند یا ائتلاف غالب را کنار بزنند و خودشان قدرت را در دست گیرند (Ibid.: 40-50). پس از اینکه ائتلاف غالب جدید شکل گرفت باز هم روش حکمرانی در کلی‌ترین شکل همان حمایت از نخبگان عضو ائتلاف غالب و محدود کردن دسترسی به مردم و گروه‌های خارج از ائتلاف است. در واقع نوعی «سیکل اقتصاد سیاسی» در نظم اجتماعی دسترسی محدود وجود دارد و این سیکل تکرار می‌شود با این حال با ارتقای نوع نظم اجتماعی از حالت «شکننده»، «پایه‌ای» و از پایه‌ای به «بالغ» به تدریج درآمد سرانه و نهادهای خصوصی و بخش خصوصی تقویت می‌شود. به رغم تکرار سیکل اقتصاد سیاسی، ویژگی‌های هر سیکل در جزئیات می‌تواند متفاوت (بهتر یا بدتر) از سیکل اقتصاد سیاسی قبل باشد.

پس از اینکه نوع نظم اجتماعی از دسترسی محدود به دسترسی باز ارتقا یافت تأمین امنیت برعهده نظامیان است. نظامیان با نظام سیاسی کنترل می‌شوند، نظام سیاسی توسط نظام اقتصادی و نظام اقتصادی را مردم و جامعه مدنی کنترل می‌کنند (Ibid.). در دسترسی باز،

غالب سیکل‌ها، سیکل‌های تجاری سیاسی (یا همان سیکل‌های سیاسی کسب و کار) است و در سیاستگذاری‌های اقتصادی انتخاب سیاست‌هایی که انتخاب مجدد آنها را افزایش دهد مدنظر قرار می‌گیرند. در مقایسه با نظم دسترسی محدود، در نظم دسترسی باز امور قائل به شخص نیست، بخش خصوصی و جامعه مدنی قدرتمندتر است و بر همین اساس تعامل آنها با یکدیگر مانع از شکل‌گیری گروه‌های سیاسی خواهان تغییر اساسی حکومت می‌شود و در نتیجه سیکل‌های سیاسی آنها غالباً سیکل‌های تجاری سیاسی است تا سیکل‌های اقتصادی سیاسی که در آن ترجیحات سیاسی (دمکراسی یا غیردمکراسی) و ترجیحات اقتصادی (رکود یا رونق، تورم یا بیکاری و ...) در بستر زمان می‌توانند، ثبات یا عدم ثبات سیاسی، فضای باز یا فضای بسته سیاسی و... به شدت تغییر یابند و در غالب موارد در نظم‌های اجتماعی دسترسی محدود قابل مشاهده هستند.

جدول ۱. الگوهای نظری سیکل‌های تجاری و سیاسی، امکان‌شناسایی، مبنای تحلیل آنها

الگوی نظری	امکان‌شناسایی نوع سیکل سیاسی	مبنای تحلیل	برخی یافته‌ها
سیکل‌های تجاری سیاسی	سیکل تجاری سیاسی	اقتصاد مبنای رأی مردم در انتخابات است و دولت‌ها نیز تلاش می‌کنند براساس ترجیحات مردم سیاستگذاری اقتصادی کنند. رفتار دولت‌ها در انتخاب اولویت سیاستگذاری اقتصادی یک رفتار سیکلی و تکراری است.	نوردهاوس (۱۹۷۵) هییس (۱۹۷۷) کرامر (۱۹۷۱) تافت (۱۹۷۵ و ۱۹۷۸) روگوف و سیلبرت (۱۹۸۸) روگوف (۱۹۹۰)
اقتصاد سیاسی توسعه	سیکل اقتصاد سیاسی	توسعه اقتصادی در کشورها فقط به عوامل اقتصادی وابسته نیست و عوامل غیراقتصادی از جمله عوامل سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی بر رشد اقتصادی کشورها و تفاوت در آمد سرانه آنها تأثیر گذارند. دمکراسی، ثبات سیاسی، ثبات قوه مجریه، نظارت بر دولت، نهادهای سیاسی بر نهادهای اقتصادی تأثیر گذارند و نهادهای اقتصادی رشد اقتصادی	عجم اوغلو و راینسون (۲۰۱۳) فوران (۱۳۸۰) آبراهامیان (۱۳۸۹)

برخی یافته‌ها	مبنای تحلیل	امکان شناسایی نوع سیکل سیاسی	الگوی نظری
	امکان شکل‌گیری سیکل‌های اقتصاد سیاسی وجود دارد که در آن متغیرهای اقتصادی و سیاسی بر آن تأثیر گذارند.		
نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۹) فوران (۱۳۸۰) کاتوزیان (۱۳۹۰)	هر کشور دو سیستم اقتصادی و سیاسی دارد و در بلندمدت این دو سیستم در توازن هستند و در نتیجه تعامل این دو سیستم است که اقتصاد و سیاست و ویژگی‌های آنها شکل می‌گیرد. نظم‌های اجتماعی به دو نوع دسترسی محدود و باز تقسیم می‌شوند. در نظم دسترسی محدود ائتلاف غالب قدرت را کنترل می‌کند و مازاد اقتصادی از طریق سازوکار کنترل دسترسی به سیستم اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد. پویایی‌های نظم دسترسی محدود از طریق انقلاب، کودتا و اصلاحات قابل ردیابی است. در نظم‌های اجتماعی دسترسی محدود کشورها ممکن است سیکل‌های اقتصاد سیاسی داشته باشند که در این سیکل‌ها متغیرهای اقتصادی و سیاسی تأثیر گذارند.	سیکل اقتصاد سیاسی	نظم اجتماعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲. استخراج سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران

در این بخش از مقاله، سیکل‌های اقتصادی سیاسی ایران، استخراج شده‌اند. مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی، پویایی‌های نظم اجتماعی دسترسی محدود از طریق انقلاب، کودتا یا اصلاحات شکل می‌گیرند که در واقع منجر به تغییر تدریجی یا به یکباره ائتلاف غالب می‌شود. مبتنی بر دستگاه نظری نظم اجتماعی در بازه انقلاب مشروطه تا دولت حسن روحانی، چندین واقع مهم در ایران به نوعی باعث تغییر قابل توجه در ائتلاف غالب شده‌اند که مهم‌ترین آنها انقلاب مشروطه ۱۲۸۵، کودتای ۱۲۹۹، کودتای ۱۳۳۲ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هستند. در کنار این وقایع مهم می‌توان به جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و

قیام پانزده خرداد اشاره کرد که در ایران بین دو انقلاب (۱۳۵۷-۱۲۸۵) حادث شده‌اند. طبیعی است علاوه بر موارد فوق ممکن است برخی اصلاحات سیاسی یا اقتصادی نیز وجود داشته باشند که باعث تغییر ائتلاف غالب شوند.

۱-۲. سیکل‌های اقتصاد سیاسی دوره قبل از انقلاب اسلامی

در مبانی نظری مقاله بیان شد که با تغییر کامل ائتلاف غالب، نخبگان ائتلاف غالب جدید در گام اول تلاش می‌کنند قدرت خود را تثبیت کنند و سازوکارهایی را شکل دهند که منجر به بقای سیاسی آنها شود. این مقاله این دوره را دوره «تثبیت» در نظر گرفته است. به‌عنوان مثال پس از کودتای ۱۲۹۹، رضاخان تلاش کرد به تدریج پایه‌های قدرت خود را تثبیت کند. در این دوره مهم‌ترین اولویت سیاستگذاری حکومت، «تأمین امنیت» بوده است. این وضعیت برای دوره بعد از کودتای ۱۳۳۲ نیز وجود داشت. در دوره تثبیت که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ به طول انجامید محمدرضا شاه توانست پایه‌های قدرت خود را تثبیت کند. در این دوره‌ها تلاش شده است به تدریج سطح ثبات سیاسی کشور افزایش یابد. مطالعات نظری نشان می‌دهند ثبات سیاسی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند (به‌عنوان نمونه رک: آلیسنا و همکاران^۱ (۱۹۹۶) و اصغرپور، احمدیان و منیعی (۱۳۹۲) و در واقع تا زمانی که تأمین امنیت ائتلاف غالب و تضمین بقای حکومت عملی نشود نمی‌توان انتظار داشت که رشد اقتصادی اولویت سیاستگذاری باشد. اما پس از دوره تثبیت و تضمین بقای ائتلاف غالب، حکومت تلاش می‌کند که به بهبود شرایط اقتصادی توجه کند که مطالبه اصلی مردم نیز است.

در دوره‌ای که تغییر رژیم سیاسی از قاجاریه به پهلوی انجام گرفت و شاه از «تثبیت» قدرت خود مطمئن شد بهبود شرایط اقتصادی در دستور کار قرار گرفت و تا زمانی که رضا شاه در قدرت بود (۱۳۲۰)، اولویت سیاستی حکومت، اولویت اقتصادی بود (سیاست «رشد اقتصادی»). در کنار انتخاب سیاست رشد اقتصادی، دولت باید در مورد سازوکار حل تضادهای اجتماعی و نوع فضای سیاسی نیز تصمیم‌گیری کند.

مطالعات فراوانی که انجام شده‌اند از جمله آبراهامیان (۱۳۹۰) و کاتوزیان (۱۳۸۷)

نشان می‌دهند که فضای سیاسی آن دوره یک «فضای بسته سیاسی» بوده است به گونه‌ای که در انتخابات مجلس، شاه و نظامیان به صورت مستقیم در انتخابات دخالت می‌کردند و به تدریج تمام مخالفان سیاسی (شامل برخی کارگزاران ارشد رضاشاه) قلع و قمع شدند. در این مقاله سال‌های «۱۳۲۰-۱۳۰۵» دوره «رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی» در نظر گرفته شده است. در این دوره زیرساخت‌های اقتصادی و نهادهای مدرن ایران در فضای بسته سیاسی شکل گرفته است. در مبانی نظری بیان شد که در نظم اجتماعی دسترسی محدود، امور قائم به شخص است و هر چقدر دسترسی محدودتر باشد این ویژگی بیشتر خود را بروز می‌دهد. در دوره رضا شاه نیز با کاهش تدریجی سطح دسترسی سیاسی، درجه قائم به شخص شدن امور افزایش یافت به گونه‌ای که در سال‌های آخر (به خصوص از سال ۱۳۱۶ به بعد) رضا شاه تصمیمات مهم سیاسی و اقتصادی را اتخاذ می‌کرد. بر همین اساس «تضادهای سیاستگذاری» در رفتار رضاشاه قابل مشاهده است به عنوان مثال در صورتی که به مسئولان سیاستگذاری مالی دستور داده شود که کسری بودجه را کاهش دهند و در نشست (ملاقات) بعدی با سیاستگذاران حوزه آموزش یا امور نظامی بیان شود که فعالیت‌های خود را گسترش دهند در آن صورت تضادهای سیاستگذاری بروز یافته و اثربخشی سیاست‌ها از بین می‌رود و حتی ممکن است سیاست‌های اقتصادی با هم متضاد باشند. در واقع هر چقدر امور قائم به شخص تر شوند تضاد سیاست‌ها بیشتر می‌شود و اقتصاد مانند کشتی می‌شود که مسیر حرکت آن نامشخص و سرگردان است.

در چارچوب نظری نظم اجتماعی، در دوره‌ای که رضاشاه، «رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی» را در دستور کار قرار داد در واقع به نوعی «توسعه نامتوازن» (آبراهامیان، ۱۳۹۰) و در نتیجه عدم توازن سیاسی و اقتصادی را در نظم اجتماعی به وجود آورد.

در دوره محمدرضا شاه «دوره رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی»، نیز تکرار شد. پس از «تثبیت» قدرت که از کودتای ۱۳۳۲ تا سرکوب قیام خرداد ۱۳۴۲ طول کشید و در این میان مخالفان همچون علی امینی و دولت او را نیز ساقط کرده بود، سیاست «رشد اقتصادی» در دستور کار قرار گرفت. برنامه‌های سوم و چهارم عمرانی در این دوره عملکرد بسیار موفقی داشتند و متوسط رشد اقتصادی ایران در این برنامه‌ها بیش از ۱۰

درصد بود و حتی در سال ۱۳۵۰، اقتصاد ایران رشد حدود ۲۰ درصدی را تجربه کرد. رشد بیش از ۱۰ درصد به این معناست که ثروت واقعی کشور در کمتر از هفت سال دو برابر می‌شود و رشد ۲۰ درصد به معنای دو برابر شدن ثروت در سه سال و نیم است. در واقع مقطعی که رشد اقتصادی در دوره محمدرضا شاه در دستور کار بوده رشد اقتصادی ایران بسیار قابل توجه بوده است با این سیاست «رشد اقتصادی» یک روی داستان بود. اما باید درباره فضای سیاسی و سطح دسترسی سیاسی مردم نیز تصمیم می‌گرفت و در مسیری حرکت کرد که پدر او حرکت کرده بود یعنی بستن فضای سیاسی. بعد از سرکوب ۱۳۴۲، سطح دسترسی گروه‌های سیاسی رقیب به شدت محدود شد. احزاب سیاسی دولت ساخته شکل گرفتند و به صورت صوری نقش اقلیت و اکثریت را ایفا کردند. در زمانی که خطوط کلی برنامه پنجم عمرانی در رامسر طراحی می‌شد شاه گفته بود که توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی و توسعه سیاسی بدون توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷).

باین حال دوباره در عمل سیاست تک‌حزبی را با ایجاد حزب رستاخیز در پیش گرفت و گفت هر کس همانند دوره رضا شاه عضو حزب نشود باید کشور را ترک کند.

به صورت مشخص بعد از شوک نفتی ۱۳۵۱، ساختار برنامه‌ریزی در کشور از هم پاشید و مدیریت امور بیشتر بر ترجیحات شخصی استوار شد تا دیدگاه سیستماتیک و غیرشخصی. همان‌طور که در اواخر سال‌های رضاشاه نارضایتی اجتماعی گسترش یافت و انگلیسی‌ها پیش‌بینی می‌کردند که کشور یا دچار انقلاب خواهد شد یا نظامیان علیه رضاشاه کودتا خواهند کرد (همان). در دوره محمدرضا شاه نیز به تدریج نارضایتی اجتماعی در حال افزایش بود و از اوایل دهه ۱۳۵۰ گروه‌های چریک مخالف حکومت شکل گرفتند تا اینکه در نهایت شاه با افزایش فشارها به تدریج به سمت باز کردن فضای سیاسی حرکت کرد. امیرعباس هویدا به‌عنوان سمبل ثبات سیاسی سیستم از قدرت برکنار و روانه زندان شد و از سال ۱۳۵۵ به تدریج امکان دسترسی حداقلی به سیستم سیاسی برای مخالفان فراهم شد.

در این مقاله دوره‌های «۱۳۲۰-۱۳۰۵» و «۱۳۵۴-۱۳۴۲» به‌عنوان دوره‌های «رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی» در نظر گرفته شده‌اند. سطح رشد اقتصادی یا درجه

بسته بودن فضای سیاسی می‌تواند متفاوت باشد و طبیعی است که با ارتقای تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، امکان کنترل سیاسی و بسته نگه داشتن فضای سیاسی سخت‌تر می‌شود و شاید در مقایسه مطلق، سطح دسترسی مردم افزایش یابد. با این حال در حالت کلی فضای سیاسی باز نبوده است. بر همین اساس می‌توان انتظار داشت که با گذر زمان فضای سیاسی به جای فضای بسته سیاسی به فضای نیمه‌بسته سیاسی تبدیل شود.

در واقع تاکنون بیان شده است که در هر «سیکل اقتصاد سیاسی»، دو دوره «ثبیت» و «رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی» می‌توان مشاهده کرد. در دوره ثبیت، حکومت از طریق تأمین امنیت (و در برخی موارد عدالت) ثبات سیاسی ایجاد می‌کند و پس از آن دوره رشد اقتصادی شروع می‌شود که در فضای بسته سیاسی یا نیمه‌باز سیاسی این امر تحقق می‌یابد. به همین دلیل در این دوره‌ها به‌رغم اینکه برای افزایش رفاه اقتصادی مردم تلاش مداوم می‌شود به تدریج نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد و ترجیحات مردم به سمت افزایش دموکراسی، افزایش نظارت بر دولت، کاهش حضور نظامیان در اقتصاد و سیاست حرکت می‌کند.

در دوره سقوط رضا شاه تا کودتای محمدرضا شاه (۱۳۳۲-۱۳۲۰)، اولویت‌های سیاست‌گذاری در کشور بر کنترل قدرت شاه، محدود کردن قدرت نظامیان و نظارت سیاسی بر عملکرد آنها، افزایش قدرت دولت، تمرکززدایی سیاسی و ... استوار بوده است. در این دوره تلاش مداومی برای افزایش «سطح دسترسی سیاسی» مردم و گروه‌های سیاسی انجام گرفت که در این مقاله به‌عنوان دوره «فضای نیمه‌باز سیاسی» در نظر گرفته شده است. در واقع در این دوره نیز به‌رغم رقابت‌های فراوان سیاسی اکثریت مردم از امکان حضور در میان نخبگان سیاسی محروم بودند (به‌عنوان نمونه رک. عظیمی، ۱۳۸۷).

این وضعیت بار دیگر در سال‌های پایانی دوره محمدرضا شاه اتفاق افتاد و پس از برکنار شدن هویدا از نخست‌وزیری به تدریج فضای سیاسی کشور بهتر شد. در واقع ۱۳۵۷-۱۳۵۵ دوره فضای نیمه‌باز سیاسی بوده است و در این دوره، دیگر رشد اقتصادی از دستور کار خارج شده بود و مسئله مهم سطح دسترسی سیاسی بود.

جدول ۲. سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران بین دو انقلاب (انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)

سیکل اقتصاد سیاسی	بازه زمانی	دوره‌های هر سیکل	بازه زمانی	ویژگی
سیکل اول	۱۲۹۹-۱۳۳۲	دوره تثبیت	۱۲۹۹-۱۳۰۴	تلاش برای افزایش ثبات در کشور، و شکل‌گیری دولت مرکزی برای تأمین امنیت به‌عنوان اولین وظیفه دولت مرکزی
		دوره رشد اقتصادی	۱۳۰۵-۱۳۲۰	رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی، توسعه نامتوازن ایجاد زیرساخت‌های دولت مدرن در ایران
		دوره فضای نیمه‌باز سیاسی	۱۳۲۰-۱۳۳۲	تلاش برای کنترل سیاسی شاه و ارتش، تلاش برای افزایش سطح دسترسی به نظام سیاسی، بی‌ثباتی کابینه‌ها
سیکل دوم	۱۳۳۲-۱۳۵۷	دوره تثبیت	۱۳۳۲-۱۳۴۲	تلاش برای تثبیت حکومت، تلاش برای مدیریت بحران ملی شدن صنعت نفت، تلاش برای مدیریت تضادهای اجتماعی
		دوره رشد اقتصادی	۱۳۴۲-۱۳۵۵	رشد اقتصادی بالا از طریق برنامه‌های عمرانی، رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی، توسعه نامتوازن
		دوره فضای نیمه‌باز سیاسی	۱۳۵۵-۱۳۵۷	تلاش برای افزایش سطح دسترسی به نظام سیاسی، تلاش برای جلوگیری از تغییر رژیم از طریق افزایش سطح دسترسی سیاسی

مأخذ: همان.

در این تحقیق دوره‌های «۱۳۲۲-۱۳۲۰» و «۱۳۵۴-۱۳۵۷» دوره‌های فضای نیمه‌باز سیاسی در نظر گرفته شده‌اند. در این دو دوره، رقابت‌های سیاسی در کشور افزایش یافت و در مقایسه با دوره‌های رشد اقتصادی، طول عمر کابینه‌ها به شدت کاهش یافت. کاهش طول عمر کابینه‌ها نشان‌دهنده تأثیرگذاری ملاحظات و ترجیحات سیاسی بر دولت است که در نتیجه بهتر شدن فضای سیاسی تحقق یافت.

براین اساس مبتنی بر آنچه که تاکنون ارائه شد سیکل اقتصاد سیاسی از سه دوره تشکیل

شده است که عبارت‌اند از دوره تثبیت، رشد اقتصادی و فضای نیمه‌باز سیاسی. در جدول ۲ سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران از زمان کودتای ۱۲۹۹ تا انقلاب اسلامی ارائه شده است.

۲-۲. سیکل‌های اقتصاد سیاسی در دوره بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب، سیکل اقتصاد سیاسی جدید آغاز شده است. همان‌طور که بیان شد اولین دوره از یک سیکل اقتصاد سیاسی در ایران، دوره تثبیت است. دوره تثبیت برای سال‌های بعد از انقلاب در واقع بازه زمانی شکل‌گیری انقلاب تا پایان جنگ است. در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز مشاهده می‌شود که ترورهای سیاسی فراوانی وجود داشت و بقای حاکمیت از طریق این ترورها و همچنین چندین کودتای ناموفق در حال تهدید بود که با جنگ ایران و عراق، حتی بقای حکومت در سطح مرزها نیز در حال تهدید بود و حکومت تلاش دائم می‌کرد که امنیت خود را تأمین و بقای خود را تثبیت کند. در واقع دوره «انقلاب اسلامی تا پایان جنگ»، دوره «تثبیت» بوده است. در این دوره نیز «تأمین امنیت»، مهم‌ترین اولویت سیاستگذاری بوده است. البته در دوره انقلاب تا پایان جنگ، سیاست تأمین عدالت نیز مورد توجه جدی حکومت بوده است.

به‌گونه‌ای که در دوره انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، در بازه زمانی ده ساله هفت کابینه تشکیل شده است. کابینه اول به ریاست مهدی بازرگان به‌عنوان دولت موقت حدود نه ماه طول کشید (بهنمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸). پس از آن شورای انقلاب شکل گرفت. این شورا چهار رئیس داشته است^۱ و دوره عمر آن نیز کمتر از یک سال و حدود ۱۰ ماه بوده است. یکی از تغییرات مهمی که در دوره بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با قبل از آن در ساختار سیاسی کشور شکل گرفته است تصویب حضور رئیس‌جمهور در ساختار قدرت بوده است. پس از انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست جمهوری، ایشان محمدعلی رجایی را به نخست‌وزیری انتخاب کرد. رئیس‌جمهور پس از یک سال با رأی عدم کفایت سیاسی مجلس از ریاست جمهوری عزل شد. پس از این امر دوباره برای بازه زمانی یکی دو سال ثبات سیاسی به چالش کشیده شد هرچند که در سال آغازین انقلاب نیز ترور در کشور تجربه شده بود. به‌گونه‌ای که

۱. رؤسای آن به ترتیب عبارت‌اند از مطهری، طالقانی، بهشتی و بنی‌صدر.

ترورهای موفق (ترور مرتضی مطهری در اردیبهشت ۱۳۵۸، سیدمحمد بهشتی در تیرماه ۱۳۶۰، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر در شهریور ۱۳۶۰) و ناموفق (ترور علی اکبرهاشمی رفسنجانی در خرداد ۱۳۵۸ و سیدعلی خامنه‌ای در تیرماه ۱۳۶۰) در کشور تجربه شد. از بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب به ثمر نشست تا مهر ۱۳۶۰ کشور دچار ترور و بی‌ثباتی سیاسی داخلی بوده است. پس از آن، حاکمیت به این ظرفیت رسید که بتواند بر بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی که تهدیدکننده بقای ائتلاف غالب و نخبگان آن باشد فائق آید. اما این امر به معنی اتمام تهدیدکننده‌های امنیتی کشور نبود بلکه در کنار مسائل داخلی، بقای کل کشور نیز توسط همسایه آن یعنی عراق از شهریورماه ۱۳۵۸ به چالش کشیده شده بود. جنگی که تا تیرماه ۱۳۶۷ ادامه یافت و حتی در ۳۰ فروردین ۱۳۶۷ جنگ نفت‌کش‌ها میان ایران و آمریکا شکل گرفت. برآوردهای متفاوتی درباره هزینه‌های جنگ وجود دارد که از ۹۷ میلیارد دلار (برآورد سازمان ملل از غرامت جنگی عراق به ایران)^۱ تا چند صد میلیارد (Teo Kian Hwee, 2003) ارائه شده است. با این حال در مجموع جنگ، ظرفیت‌های سرمایه‌ای کشور را به شدت تخریب کرد.

علاوه بر مسئله تثبیت، در دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۷ که دوره انقلاب تا پایان جنگ است سیاست‌های عدالت‌خواهانه نیز از دستور کارهای اصلی حاکمیت بوده است که این امر بیشتر از طریق حاکمیت باید پیگیری می‌شد. بر همین اساس دولت نقش بسیار عمده‌ای برای تحقق عدالت بر دوش گرفته است. تصویب اصول (۴۳ و ۴۴)^۲ قانون اساسی که در آنها حاکمیت اصلی بر اقتصاد کشور را بر دوش دولت نهاده است و یا اصل (۳) قانون اساسی^۳ که دولت وظیفه ایجاد اشتغال برای آحاد مردم محول شده است از جمله آثار این دیدگاه است. در کنار گسترش نقش دولت در اقتصاد، از طریق نهادهای گوناگون (از جمله کمیته امداد امام

۱. در سال ۱۹۹۱ خاویر پرز دکوئیار (دبیر کل وقت سازمان ملل متحد) رسماً این موضوع را اعلام کرد.

۲. اصل (۴۴): نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

۳. اصل (۳): دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد - ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی ... - ۱۲. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

خمینی و سازمان بهزیستی و بنیاد مستضعفان و جانبازان) سیاست‌های رفاهی دنبال شد. در کنار آنها گسترش سوادآموزی، آموزش و پرورش رایگان و آموزش عالی و بهداشت و سلامت که با سیاست‌های راهبردی نظام برای افزایش رفاه مردم سازگار بود پیگیری می‌شد.

همان‌طور که بیان شد دومین دوره از یک سیکل اقتصاد سیاسی، دوره رشد اقتصادی است. این دوره برای سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی شکل گرفت. دوره هاشمی رفسنجانی در بعد از اتمام جنگ و به نوعی از بین رفتن تهدیدهای جدی مرتبط با بقای ائتلاف غالب بوده است. حکومت در واقع توانسته بود بر تهدیدهای امنیتی داخلی (تظاهرات، کودتا، ترور سیاسی) و تهدیدهای امنیتی خارجی (جنگ عراق علیه ایران) فائق آید و خود را «ثبیت» کند (که در این مقاله دوره انقلاب تا پایان جنگ ایران و عراق به‌عنوان دوره «ثبیت» در نظر گرفته شده است) و پس از آن سیاست‌های «رشد اقتصادی» در دوره آقای هاشمی رفسنجانی در دستور کار قرار گرفت. عبارت «سردار سازندگی» نشانه سمبلیک از این سیاست بود. از منظر فضای سیاسی نیز در این دوره به گونه‌ای بود که مخالفت‌های جدی با برنامه‌های ایشان انجام نمی‌گرفت.

در این دوره رشد اقتصادی به‌عنوان اولویت سیاست‌گذاری انتخاب شد، در حالی که در دوره انقلاب اسلامی تا پایان جنگ («دوره ثبیت» در این مقاله) ایجاد امنیت و در کنار آن تحقق عدالت اجتماعی اولویت سیاست‌گذاری بودند. طبیعی است که سیاست رشد اقتصادی و کنترل فضای سیاسی که در دوره هاشمی رفسنجانی در دستور کار قرار گرفت از جهات گوناگونی می‌تواند متفاوت از این دستور کار در دوره رشد اقتصادی زمان رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۵) و دوره رشد اقتصادی محمدرضا شاه (۱۳۵۵-۱۳۴۲) باشد. از جمله اینکه رشد اقتصادی آن کمتر بود، بحران‌های بیشتری را تجربه کرد و همچنین فضای سیاسی بازتر از فضای سیاسی دوره‌های پیشین بود.

زمانی که ایشان رئیس‌جمهور شد، کشور به ظرفیتی دست یافته بود که بتواند قانون اساسی را اصلاح، ثبات و امنیت داخلی کشور را تأمین و تهدید خارجی جنگ با کشور عراق را نیز مرتفع کند. بر همین اساس امنیت از اولویت اول کشور خارج شد و جای آن را رشد اقتصادی گرفت. از یک سو جنگ ظرفیت‌های اقتصادی کشور را تحلیل برده بود و از سوی دیگر

سیاست‌هایی که برای دولت رفاهی در دهه اول انقلاب پیگیری شده بود در کنار شرایطی که محیط بین‌الملل برای ایران ایجاد کرده بود، درآمد سرانه کشور را در دهه اول انقلاب به شدت کاهش داد و همچنین بخش خصوصی کوچک و در مقابل دولت و نهادهای عمومی غیردولتی گسترش یافت. در این شرایط دولت سازندگی، سیاست‌های تعدیل اقتصادی را در پیش گرفت که از جمله آنها می‌توان به کوچک‌سازی دولت، آزادسازی قیمت‌های کلیدی، یکسان‌سازی نرخ ارز و خصوصی‌سازی اشاره کرد. سیاست‌های مذکور منجر به افزایش رشد اقتصادی کشور شد به گونه‌ای که در چهار سال اول دوره ایشان متوسط نرخ رشد اقتصادی کشور به ۸/۷ درصد رسید (بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی).

تجربه کشورهای دنیا نشان می‌دهد که سیاست‌های تعدیل که از آن به سیاست‌های واشنگتنی نیز یاد می‌شود زمانی می‌تواند موفق باشد که با سیاست‌های مکمل همراه باشد و با شرایط خاص کشورها تطابق یابد (Rodrik, 2005). بر همین اساس این تجربه برای کشورهای آمریکای لاتین یک تجربه شکست خورده است که به کودتا و نارضایتی‌های اجتماعی منجر شد و برعکس در کشورهای جنوب شرق آسیا به دلیل پیگیری سیاست‌های مکملی و توجه به شرایط زمینه‌ای این کشورها (و عدم پیروی کامل از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در آن مقطع) باعث معجزه رشد در این کشورها شد (Ibid.). در دوره سازندگی، سیاست‌های مذکور باعث شد که سرمایه‌گذاری در ایران رشد یابد و رشد اقتصادی کشور افزایش یابد. در حالی که در سال پایانی جنگ نرخ رشد اقتصادی کشور منفی ۵/۳ درصد بود در سال اول دوره هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸) به مثبت ۵/۸ درصد رسید و با افزایش این نرخ در سال ۱۳۶۹ بالای ۱۴ درصد و در سال ۱۳۷۰ بالای ۱۲ درصد رسید. اما در کنار این رشد اقتصادی بالا، چون در اجرای این سیاست‌ها کمتر به شرایط زمینه‌ای کشور و سیاست‌های مکملی توجه شده بود (و این امر نیز با دیدگاه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سازگار بود) تورم برای اولین بار در دوره بعد از انقلاب به سطح ۳۵ درصد در سال ۱۳۷۳ و حدود ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید (بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی) و دوباره روند رشد در کشور کاهش یافت به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۳ نرخ رشد کشور دوباره منفی شد و از

طریق اجرای سیاست‌های کنترلی دوباره اقتصاد کشور به نرخ رشد اقتصادی مثبت بازگشت (همان). از منظر سیاسی نیز تقریباً مخالفت جدی با سیاست‌های دولت وجود نداشت و به صورت پراکنده فقط بخش‌هایی از جنبش دانشجویی برخی سیاست‌های دولت را به نقد می‌کشید و در مجموع در عین حال که امکان نقد سیاست‌ها وجود داشت اما نقد جدی انجام نمی‌گرفت و فضای سیاسی کشور کنترل شده و نیمه‌باز بود.

در تحلیل سیکل‌های اقتصاد سیاسی قبل از انقلاب بیان شد که سومین دوره از یک سیکل، دوره فضای (نیمه) باز سیاسی است که اولویت آن سیاست و مسائل سیاسی مانند افزایش دموکراسی و کنترل قدرت است. در همین چارچوب در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، پس از اتمام دوره آقای هاشمی رفسنجانی که دوره رشد اقتصادی بود، دوره آقای خاتمی شکل گرفت. تغییر خواسته‌های مردم از امنیت و بقا به اقتصاد و رشد اقتصادی و سپس به دموکراسی و آزادی‌های سیاسی به نوعی با هرم سلسله‌مراتب نیاز مازلو^۱ نیز سازگار است که در سطح پایین هرم مسئله بقا و امنیت و نیازهای حیاتی انسان است و سپس به مسئله زندگی اجتماعی می‌رسد و در نهایت به مسئله خودیابی و هویت. علاوه بر این تغییرات مذکور به نوعی با نظریه نوسازی^۲ درباره توسعه نیز سازگار است که بیان می‌کند در گذر زمان که رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد و سطح درآمد سرانه افزایش می‌یابد سطح خواسته‌های مردم نیز به تدریج از امور صرف اقتصادی به امور سیاسی و اجتماعی تغییر می‌کند.

در این دوره بحث‌های زیادی مبنی بر اولویت سیاست بر اقتصاد یا برعکس انجام گرفت که اکثر همراهان دولت بر اولویت سیاست بر اقتصاد تأکید داشتند. این امر در لوایحی که دولت به مجلس می‌برد یا طرح‌هایی که مجلس ششم ارائه می‌کرد خود را نشان می‌داد که از جمله آنها لوایح دوقلوی افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری و اصلاح قانون انتخابات بود که دولت در نهایت آنها را پس گرفت یا به طرح اصلاح قانون مطبوعات می‌توان اشاره کرد که در نهایت از دستور کار مجلس کنار گذاشته شد. علاوه بر موارد مذکور دیدگاه تأکید بر اولویت سیاسی حتی آثار خود را در برنامه‌های توسعه نشان داد به گونه‌ای که در برنامه چهارم توسعه در

۱. سلسله‌مراتب نیازهای مازلو از پایین به بالا به ترتیب عبارت‌اند از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت اجتماعی، احترام و خودشکوفایی.

۲. نظریه‌های متفاوتی درباره نوسازی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به پنج مرحله توسعه روستو (Rostow) اشاره کرد.

دوره اصلاحات طراحی شده بود بر مسئله منشور حقوق شهروندی (ماده (۱۰۰) قانون برنامه چهارم توسعه^۱) نیز تأکید شده بود. در عین حال که بخش‌هایی از اسناد برنامه چهارم توسعه توسط بخشی از بدنه اصولگرایی (از جمله برخی نمایندگان مجلس نهم) به نقد کشیده می‌شد.

هر چند در دوره ایشان رشد اقتصادی مناسبی (متوسط دوره هشت ساله حدود ۵/۴۵ درصد) در کشور به ثبت رسید (بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی) با این حال افزایش سطح دسترسی مردم به نظام سیاسی اولویت سیاستگذاری بود. در واقع باز هم دوره «فضای نیمه باز سیاسی» در کشور شکل گرفت.

در این مقاله، انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ (یعنی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۸۵) همانند دوره‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰، ۱۳۵۷-۱۳۵۴، ۱۳۸۳-۱۳۷۶ دوره فضای نیمه‌باز سیاسی در نظر گرفته شده است. در این دوره رقابت‌های سیاسی در کشور افزایش یافت و در عین حال به دلیل افزایش همین رقابت‌ها، طول عمر کابینه‌های دولت‌ها به شدت کاهش یافت. همچنین وقوع جنگ جهانی اول باعث شد که علاوه بر بی‌ثبات شدن کابینه‌ها امنیت کشور نیز تهدید شود. در این دوره در واقع کشور در نظم اجتماعی «شکنده» قرار داشته و ائتلاف غالب توان حفاظت از نهادهای خود را نداشت. بر همین اساس مجلس به توپ بسته شد، کشور ایران اشغال شد، جنگ‌های داخلی در کشور تشدید شد و در نتیجه رشد اقتصادی کشور نیز به شدت تهدید شد.

آنچه که تاکنون ارائه شده است نشان می‌دهد هر سیکل اقتصاد سیاسی از سه دوره تشکیل شده است که عبارت‌اند از: دوره تثبیت، دوره رشد اقتصادی (در فضای بسته یا نیمه‌باز سیاسی) و دوره فضای باز سیاسی. پس از اینکه دوره فضای (نیمه) باز سیاسی در کشور به پایان رسید، وارد سیکل جدید اقتصاد سیاسی شده است؛ یعنی پس از دوره‌های «۱۲۹۹-۱۲۸۵»، «۱۳۳۲-۱۳۲۰»، «۱۳۵۷-۱۳۵۴»، «۱۳۸۳-۱۳۷۶» که دوره‌های فضای نیمه‌باز سیاسی (یا نیمه‌بسته سیاسی)^۲ بوده

۱. ماده (۱۰۰) = دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، ... منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند: ...

۲. در این مقاله اصطلاح نیمه‌باز سیاسی یا نیمه بسته سیاسی به صورت دقیق تعریف نشده است و مطالعات بعدی می‌توانند به صورت دقیق‌تر این موضوع را بررسی کنند.

کشور وارد دوره تثبیت شده است که در سال‌های «۱۳۰۵-۱۲۹۹»، «۱۳۴۲-۱۳۳۲»، «۱۳۶۷-۱۳۵۷»، و «۱۳۹۱-۱۳۸۴» دوره‌های تثبیت بوده است.

در این مقاله سال‌های «۱۳۹۱-۱۳۸۴» دوره تثبیت و به‌عنوان دوره شروع سیکل سیاسی جدید (از سال ۱۳۸۴) در نظر گرفته شده است. در واقع در دوره آقای احمدی‌نژاد کشور با بازگشت مجدد به سیاست‌های اول انقلاب، سیکل اقتصادی سیاسی جدیدی را آغاز کرده است. در دوره ایشان باز هم همانند دوره‌های پیشین تثبیت، اولویت اول سیاستگذاری کشور تأمین امنیت و عدالت بود. در روزهای پایانی دولت خاتمی، بوش پسر به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا ایران را جزو محور شرارت قرار داد و پس از آن به تدریج تلاش می‌شد که تعامل با ایران را براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل^۱ تعریف کنند که بیشتر برای زمینه‌سازی برای حمله به کشوری است که تعامل با آن براساس این فصل تعریف می‌شود. این امر به معنی تهدید امنیت ملی ایران در بعد بین‌المللی بود. هیچ کشوری در دنیا نیست که در فصل هفتم منشور مذکور دیده شود و تحریم اقتصادی نشود و در موارد متعددی در صورتی که کشور نتواند از این فصل منشور خارج شود به آن حمله می‌شود. در این شرایط طبیعی است که امنیت؛ اولویت اول کشور می‌شود.

از سویی، سیاست‌هایی که ایشان دنبال می‌کرد تغییر ساختار حکمرانی در کشور و شکل‌گیری نخبگان جدید اقتصادی و سیاسی بود (تقریباً شبیه خواسته‌های اول انقلاب اسلامی). به‌گونه‌ای که دوره ۱۶ ساله گذشته را دوره‌ای می‌دانست که در آن چرخش نخبگان اقتصادی و سیاسی در کشور بسیار محدود بوده و برای همین نیز در رقابت با هاشمی رفسنجانی و همچنین در دور دوم ریاست جمهوری خود بر تضاد طبقاتی و تلاش برای خروج نخبگان قبلی از حکومت و مسئله هزار فامیل تأکید می‌کرد و بیان می‌شد که فقط تعداد اندکی از افراد جامعه در مقامات ارشد سیاسی و اقتصادی کشور قرار گرفته‌اند و نخبگان حاکم فقط از یک شغل مدیریتی به شغل دیگری تغییر می‌یابند و افراد جدید جایگزین نمی‌شوند. تحلیل صحت این موضوع از مقوله این مقاله خارج

۱. فصل هفتم منشور سازمان ملل درباره «اقدام در رابطه با تهدیدات صلح، نقض‌های صلح و اقدامات تجاوز کارانه» است که بندهای «۳۹ تا ۵۱» این منشور را دربرمی‌گیرد و به‌طور مشخص در بندهای «۴۱ و ۴۲» زمینه‌های حمله به کشورهای که تهدیدی برای صلح جهانی به حساب می‌آیند دیده شده است.

است. همچنین در کنار این امر سیاست‌های توزیعی جدیدی در کشور در این مقطع طراحی شد که آثار آن خارج از بازه زمانی یک رئیس‌جمهور بود و افق بلندمدت را مدنظر قرار داشتند که مسکن مهر، هدفمندی یارانه‌ها و سهام عدالت از جمله آنها هستند. در واقع چنین تحلیل می‌شد که اگر وضعیت کنونی ادامه یابد (از طریق سازوکارهای کنونی ارائه تسهیلات، نرخ بهره، بازپرداخت، توان پرداخت و ...) بخشی از جامعه هرگز خانه‌دار نخواهد شد و سیاست‌های مسکن ۹۹ ساله را پیگیری کرد. براساس این دیدگاه، در ساختار قبلی، بخشی از جامعه صدایی در حاکمیت نداشتند و حتی برای برخی اولین نیاز مازلویی آنها (فیزیولوژیکی) نیز تأمین نمی‌شد بر همین اساس خارج از ساختارهای قبلی هدفمندی یارانه‌ها را اجرا کرد. سیاست دیگر سهام عدالت است.

با ملاحظه اینکه در آمد هر فرد از دو بخش کار و ثروت حاصل می‌شود و وقتی بخش قابل توجهی از جامعه در ساختار قبلی ثروتی نیاندوخته بودند سازوکار جدید افزایش درآمد برای آنها از طریق سهام عدالت پیگیری شد. لازم به ذکر است که این سیاست‌ها در دوره قبل از انقلاب نیز از طریق انقلاب سفید مقرر شده بود پیگیری شوند که به نتیجه مطلوب نرسیدند. در دوره احمدی‌نژاد که این سیاست‌ها پیگیری شد در ابتدا از طریق ساختار بوروکراسی موجود انجام گرفت اما وقتی بوروکراسی موجود با آن همراهی نکرد (مانند سازمان برنامه و بودجه که در نهایت آن را منحل کرد) یا برای انجام آن توان کافی نداشت (مانند مرکز آمار در مسئله خوشه‌بندی مردم) به مسیرهای خارج از ساختار روی آورد و حتی در مواردی به‌رغم پذیرش ساختار بوروکراسی موجود از نقاط ضعف برای پیشبرد امور استفاده کرد (مانند مسئله هدفمندی یارانه‌ها که اجرای قانون مذکور را به جای اینکه در سال اول، در بازه زمانی دوازده ماه اجرا کند در سه ماه آخر پرداخت‌های یارانه را انجام داد و عملاً چهار برابر تصویب مجلس را پرداخت کرد) و در مواردی نیز ساختار جدید طراحی کرد (مانند ساختار مدیریت هدفمندی یارانه‌ها). در مجموع در دوره احمدی‌نژاد هم مسئله امنیت و هم مسئله عدالت اولویت کشور بوده است بر همین اساس دوره ایشان نیز دوره تثبیت در نظر گرفته شده است. سال‌های ۱۳۹۲ به بعد دوره رشد اقتصادی از سیکل اقتصاد سیاسی جدید (شروع سیکل مذکور از سال ۱۳۸۴) است اما به دلیل اینکه هنوز در حال سپری شدن است در این مقاله تحلیل نشده‌اند.

جدول ۳. اولین سیکل اقتصاد سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن

ویژگی	بازه زمانی	دوره‌های هر سیکل	بازه زمانی	سیکل اقتصاد سیاسی
تلاش کشور برای ایجاد امنیت در کشور، تلاش برای کنترل کودتا و ترورهای سیاسی به‌عنوان تهدیدکننده‌های امنیت داخلی، تلاش برای مدیریت جنگ به‌عنوان تهدیدکننده امنیت در بعد خارجی، شکل‌گیری نخبگان اقتصادی و سیاسی جدید.	۱۳۶۷-۱۳۵۷	دوره تثبیت	۱۳۸۳-۱۳۵۷	سیکل اول
شکل‌گیری دوره سازندگی در کشور، در اولویت قرار گرفتن مسائل اقتصادی و رشد کنترل فضای سیاسی.	۱۳۷۵-۱۳۶۸	دوره رشد اقتصادی		
شکل‌گیری دوره اصلاحات، تلاش برای افزایش سطح دسترسی سیاسی، افزایش رقابت‌های سیاسی.	۱۳۸۳-۱۳۷۶	دوره فضای نیمه‌باز سیاسی		
تلاش برای شکل‌گیری دوره جدیدی از انقلاب اسلامی، تلاش برای شکل‌گیری نخبگان اقتصادی و سیاسی جدید.	۱۳۹۱-۱۳۸۴	دوره تثبیت	۱۳۸۳ به بعد	سیکل دوم

مأخذ: همان.

۳-۲. سیکل‌های اقتصاد سیاسی از کودتای ۱۲۹۹ تا اوایل دهه ۱۳۹۰

آنچه در این بخش از مقاله ارائه شد نشان می‌دهد کشور ایران سیکل‌های اقتصادی سیاسی دارد و هر سیکل از سه بخش دوره تثبیت، دوره رشد اقتصادی و دوره فضای (نیمه) باز سیاسی تشکیل می‌شود که اولویت سیاستگذاری در آنها به‌ترتیب عبارت‌اند از امنیت و عدالت، اقتصاد و سیاست. از سال ۱۲۹۹ (کودتای رضا شاه) تا ۱۳۳۲ (کودتای محمدرضا شاه) یک سیکل اقتصاد سیاسی است، از کودتای (۱۳۳۲) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) نیز یک سیکل اقتصاد سیاسی. در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا پایان دوره خاتمی (۱۳۸۳) یک سیکل اقتصاد سیاسی است و از آغاز دوره احمدی‌نژاد (۱۳۸۴) ایران یک سیکل اقتصاد سیاسی جدید را آغاز کرده است.

جدول ۴. سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا کنون و ویژگی‌های آن

سیکل اقتصاد سیاسی	شروع سیکل	پایان سیکل	دوره‌های هر سیکل				مسئله محوری هر دوره	
			بازه زمانی	دوره تثبیت	دوره رشد اقتصادی در فضای بسته (نیمه‌باز) سیاسی	دوره رشد فضای باز (نیمه‌باز) سیاسی		امنیت (یا عدالت)
سیکل اول	کودتای ۱۲۹۹	۱۳۳۲	۱۲۹۹-۱۳۰۴					
			۱۳۰۵-۱۳۲۰					
			۱۳۲۰-۱۳۳۲					
سیکل دوم	کودتای ۱۳۳۲	انقلاب اسلامی	۱۳۳۲-۱۳۴۲					
			۱۳۴۲-۱۳۵۵					
			۱۳۵۵-۱۳۵۷					
سیکل سوم	انقلاب اسلامی	پایان دوره اصلاحات	۱۳۵۷-۱۳۶۷					
			۱۳۶۸-۱۳۷۵					
			۱۳۷۶-۱۳۸۳					
سیکل چهارم	شروع دولت احمدی‌نژاد		۱۳۸۴-۱۳۹۱					

مأخذ: همان.

کل سیکل‌های اقتصادی ایران از کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ تا پایان دوره احمدی‌نژاد در جدول ۴ ارائه شده است. طبیعی است که هر سیکل اقتصاد سیاسی می‌تواند ویژگی‌های خاص خود را نیز داشته باشد که در این تحقیق به آن پرداخته نشده است. از سویی در بازه زمانی یک صدساله قرن چهاردهم شمسی به تدریج ظرفیت اقتصادی و سیاسی کشور ارتقا یافته است. به‌عنوان مثال سطح دسترسی به سازمان‌های اقتصادی و سیاسی در اوایل دهه ۱۳۹۰ بسیار متفاوت از دهه ۱۳۱۰ یا دهه ۱۳۴۰ است. با این حال برای اینکه الگوسازی کلی انجام گیرد این تفاوت‌ها مدنظر قرار نگرفته است و این امر به معنی یکسان در نظر گرفتن شرایط نیست بلکه وضعیت‌های مشابه در سطح کلی در این تحقیق مدنظر بوده است. سیکل اقتصاد سیاسی ایران بین دو کودتا (۱۲۹۹-۱۳۳۲) بیش از ۳۰ سال به طول انجامیده است در حالی که سیکل اقتصاد سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی (۱۳۳۲-۱۳۵۷) و

سیکل اقتصادی سیاسی بعد از انقلاب (۱۳۸۳-۱۳۵۷) حدود ۲۵ سال طول کشیده است. با ملاحظه اینکه نوع نظام سیاسی کشور، ریاست جمهوری است و هر سیکل اقتصاد سیاسی نیز از سه دوره (ثبیت، رشد اقتصادی و فضای نیمه‌باز سیاسی) تشکیل می‌شود انتظار است که سیکل اقتصاد سیاسی چهارم نیز حدود ربع قرن (۲۴ سال) طول بکشد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله سیکل‌های اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا کنون ارائه شد. به طوری که هر سیکل اقتصاد سیاسی از سه دوره ثبیت، رشد اقتصادی و فضای (نیمه) باز سیاسی تشکیل شده است. در این دوره‌ها به ترتیب ایجاد امنیت و عدالت، افزایش رشد و رفاه اقتصادی و افزایش دسترسی سیاسی در دستور کار دولت‌ها بوده است.

نشان داده شد که از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، هر سیکل سیاسی بین ۲۵ تا ۳۰ سال به طول انجامیده است. در دوره بعد از انقلاب اسلامی با تغییر ساختار سیاسی و شکل‌گیری انتخابات ریاست جمهوری (در زمان‌های مشخص) سیکل‌های سیاسی نیز حدوداً ۲۵ سال (۲۴ سال برای دوره‌های ریاست جمهوری) به طول انجامیده است.

در دوره قبل از انقلاب اسلامی از کودتای ۱۲۹۹ تا کودتای ۱۳۳۲ یک سیکل اقتصادی و از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی یک سیکل اقتصاد سیاسی بوده است. در هر یک از این دو سیکل اقتصاد سیاسی، در دوره‌های ثبیت تلاش شده که ائتلاف غالب به ثبات برسد و بقای خود را تضمین کند. سپس در دوره رشد اقتصادی به مسئله رفاه اقتصادی توجه کرده و به دلیل شکل‌گیری توسعه نامتوازن (رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی) در نهایت نارضایتی‌های اجتماعی افزایش یافته و در نهایت دوره فضای (نیمه) باز سیاسی شکل گرفته است که دستور کارهای آن محدود کردن قدرت و اعمال نظارت بر ارکان قدرت و افزایش آزادی‌های سیاسی بوده است.

در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز از انقلاب تا پایان جنگ، دوره ثبیت بوده که در آن دوره ایجاد امنیت (و عدالت) اولویت سیاست‌گذاری بوده است. در این دوره به دلیل انقلاب اسلامی نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور به طور کامل تغییر یافتند و نخبگان

جدیدی بر کشور حاکم شدند. نقدی که بر عدم چرخش نخبگان در نظام سیاسی قبلی وجود داشت با عنوان هزار فامیل در کشور از آن یاد می‌شد. پس از پایان جنگ در زمان آقای هاشمی رفسنجانی رشد اقتصادی و در دوره آقای خاتمی، ارتقای دسترسی‌های سیاسی در دستور کار قرار گرفت. در دوره آقای احمدی‌نژاد، با شعار بازگشت به شعارهای اول انقلاب و توجه به عدالت اجتماعی و همچنین انتقاد از عدم چرخش نخبگان سیاسی و اقتصادی در کشور در دوره‌های پیشین، سیکل اقتصاد سیاسی جدیدی شروع شد. دوره ایشان دوره تثبیت و هدف آن تأمین امنیت و عدالت بوده است.

در بازه زمانی انقلاب مشروطه تاکنون، ایران با سیکل‌های اقتصاد سیاسی روبه‌رو بوده است و هنوز نتوانسته به‌طور کامل از این سیکل‌ها خارج شود (هرچند همان‌طور که در مقاله نشان داده شد در بستر زمان سطح نظم اجتماعی ایران به‌صورت تدریجی ارتقا یافته است) و این امر زمانی محقق خواهد شد که امنیت، عدالت، رشد اقتصادی و آزادی به‌صورت همزمان تحقق یابند. قرار گرفتن ایران در سیکل‌های اقتصاد سیاسی مذکور و تکرار این سیکل‌های اقتصادی نیز به شیوه‌های گوناگون در نوشته‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل مشاهده است که از جمله آنها می‌توان به دیدگاه‌های امتناع از توسعه (دیدگاه محسن رنانی)، دام‌های اقتصاد (دیدگاه حسین عظیمی^۱)، جامعه کوتاه‌مدت و کلنگی (دیدگاه کاتوزیان (۱۳۹۰))، جامعه شکننده (دیدگاه جان فوران (۱۳۸۰)) اشاره کرد. همچنین تداوم سیکل‌های اقتصاد سیاسی و مسائل کلی کشور به طرق متفاوت در سخنرانی‌های مسئولان ارشد سیاسی کشور تبلور یافته است که به‌عنوان مثال می‌توان به سخنرانی آقای لاریجانی (رئیس مجلس دهم) هنگام بررسی دیدگاه‌های شهید مدرس^۲ درباره مسائل عمده کشور اشاره کرد: «امّهات مسائلی که او [مدرس] برای ایران و بعضاً عالم اسلام مورد توجه قرار داد و معتقد بود از اهم مشکلات موجود است و باید حل شود، پس از حدود یک صد سال، امروز هم اغلب جزو مشکلات کشور باقی است که این از عجایب روزگار است».

۱. دیدگاه ایشان در مقدمه کتاب محمدعلی فروغی (۱۳۸۷) آمده است.

۲. سخنرانی تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۹۳ به مناسبت روز شهادت مدرس.

منابع و مآخذ

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۲. _____ (۱۳۹۰). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۳. اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور (۱۳۷۹). *دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی*، شورای نظارت: میرحسین موسوی، هادی خانیکی، احمد مسجدجامعی: شورای علمی یعقوب آژند ... [و دیگران].
۴. اصغری‌پور، حسین، کسری احمدیان و امیر منیعی (۱۳۹۲). «بررسی اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران: (رهیافت غیرخطی APARCH)»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱، ش ۶۸.
۵. بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی.
۶. درازن، آلن (۱۳۹۰). *اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان*، ترجمه جعفر خیرخواهان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. رنانی، محسن (۱۳۸۹). «نگرش سیستمی به نظریه امتناع توسعه»، *مهرنامه*، ش ۸.
۸. عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۷). *بحران دمکراسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، نشر آسیم.
۹. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۷). *اصول علم ثروت ملل*، تهران، انتشارات فروزان روز.
۱۰. فوران، جان (۱۳۸۰). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۱. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰). *ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه مقاله دیگر*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، نشر نی.
۱۲. _____ (۱۳۸۷). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ چهاردهم، تهران، نشر مرکز.
13. Acemoglu, D. and J. Robinson (2013). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity and Poverty*, Princeton University Press.
14. Alesina, A., S. Ozler, N. Roubini and P. Swagel (1996). "Political Instability and Economic Growth", *Journal of Economic Growth*, 1.
15. Hibbs, D. (1977). "Political Parties and Macroeconomic Policy," *American Political Science Review*", 71.
16. Kramer, D. (1971). "Short-Term Fluctuations in U.S. Voting Behavior, 1896-1964", *American Political Science Review* 65.

17. Nordhaus, W. (1975). "The Political Business Cycle", *Review of Economic Studies* 42.
18. _____ (1989). "Alternative Approaches to the Political Business Cycle", *Brookings Papers on Economic Activity* 2.
19. North, D. C., J. J. Wallis and B. R. Weingast (2006). "A Framework for Interpreting Recorded Human History", NBER Working Paper w12795. December.
20. _____ (2009). *Violence and Social Orders*, Cambridge University Press.
21. Rodrik, Dani (2005). "Growth Strategies", in Philippe Aghion and S. Durlauf, *Handbook of Economic Growth*, North-Holland.
22. Rogoff, K. (1988). "Comment on Macroeconomics and Politics," NBER Macroeconomics Annual, Cambridge, MA: MIT Press.
23. _____ (1990). "Equilibrium Political Budget Cycles," *American Economic Review* 80.
24. Rogoof, K. and A. Silbert (1988). "Elections and Macroeconomic Policy Cycles", *Review of Economic Studies* 55.
25. Teo Kian Hwee, Maj. Dexter (2003). "The Iran-Iraq War: An Examination of War Termination Theories", *Journal of the Singapore Armed Forces*, Vol. 29.
26. Tufte, E. (1975). "Determinants of the Outcomes of Midterm Congressional Elections," *American Political Science Review* 69.
27. _____ (1978). *Political Control of the Economy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.